

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی
گروه فلسفه

بررسی مبانی فکری - فرهنگی آراء فروید در باب
دین

رساله جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

استاد راهنما : دکتر حمیدرضا آیت اللهی

استاد مشاور : دکتر هدایت علوی تبار

نگارنده : بهروز اسدی

پاییز ۸۷

تقدیم به روان مقدس مادرم

ای مادر درود خدا بر تو و روان تابناک تو باد، توئی که با ارزشترین روزهای حیات خود را به من بخشیدی و به من زندگی و آرامش دادی، توئی که صفابخش روحم بودی. اکنون مادرم تو در آسمانی و من در زمینم، بدان که قلب من همیشه سوگوار توست.

هو المحبوب

آواز عاشقانه ما در گلو شکست
حق با سکوت بود، صدا در گلو شکست
دیگر دلم هوای سرودن نمی کند
تنها بهانه دل ما در گلو شکست
سربسته ماند بغض گره خورده در دلم
آن گریه های عقده گشا در گلو شکست
ای داد، کس به داغ دل باغ، دل نداد
ای وای، های های عزا در گلو شکست
آن روزهای خوب که دیدم، خواب بود
خوابم پرید و خاطره ها در گلو شکست
«بادا» مباد گشت و «مبادا» به باد رفت
«آیا» زیاد رفت و «چرا» در گلو شکست
فرصت گذشت و حرف دلم ناتمام ماند
نفرین و آفرین و دعا، در گلو شکست
تا آمدم که با تو خداحافظی کنم
بغضم امان نداد و خدا ... در گلو شکست

«قیصر امین پور»

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: زندگی و شرایط فکری - فرهنگی فروید

- ۱-۱ زندگی‌نامه ۵
- ۱-۱-۱ زندگی جنسی فروید ۱۱
- ۲-۱ شخصیت فروید ۱۳
- ۱-۲-۱ دل‌بستگی به مادر ۱۴
- ۲-۲-۱ ارتباط فروید با پدرش ۱۵
- ۳-۲-۱ قدرت‌گرایی فروید ۱۶
- ۴-۲-۱ فروید، مصلح جهانی ۱۶
- ۵-۲-۱ حقیقت‌طلبی و شجاعت فروید ۱۷
- ۳-۱ زمینه‌ها و مبانی فکری فروید ۱۸
- ۱-۳-۱ جو فکری - فلسفی قرن نوزدهم ۲۱
- ۴-۱ زمینه دینی فروید ۲۳
- ۵-۱ شرایط تاریخی عصر فروید ۲۶

فصل دوم: روان‌کاوی (ساختارهای بحث روان‌کاوی در اندیشه فروید)

- ۱-۲ روان‌کاوی ۳۱
- ۱-۱-۲ پیشگامان روان‌کاوی ۳۲

۲۵	۲-۱-۲ مبانی روانکاوی.....
۳۶	۲-۲ عقده های روانی.....
۳۶	۱-۲-۲ عقده.....
۳۴	۲-۲-۲ اقسام عقده.....
۳۷	۱-۲-۲-۲ عقده ادیپ.....
۳۹	۲-۲-۲-۲ عقده الکترا.....
۴۰	۳-۲ تاریخچه بحث ضمیر ناخودآگاه.....
۴۱	۱-۳-۲ خود آگاه.....
۴۱	۲-۳-۲ نیمه خود آگاه.....
۴۲	۳-۳-۲ نا خود آگاه.....
۴۳	۴-۲ ساختار شخصیت.....
۴۴	۱-۴-۲ نهاد.....
۴۵	۲-۴-۲ من.....
۴۶	۳-۴-۲ من برتر.....
۴۷	۵-۲ ماهیت انسان.....
۵۰	۱-۵-۲ نگاه فروید به زن و مرد.....
۵۲	۶-۲ رشد فرآیند های فکری.....
۵۳	۷-۲ غرایز.....
۵۴	۱-۷-۲ غریزه زندگی.....
۵۵	۲-۷-۲ لیبیدو.....
۵۶	۳-۷-۲ غریزه مرگ.....
۵۶	۸-۲ میل جنسی.....

۵۸.....	۹-۲ اضطراب.....
۵۹.....	۱۰-۲ مکانیزم های دفاعی.....
۶۰.....	۱-۱۰-۲ تصعید.....
۶۱.....	۲-۱۰-۲ فرافکنی.....
۶۳.....	۳-۱۰-۲ سرکوبی.....
۶۳.....	۱۱-۲ روش تحقیق فروید.....
۶۵.....	۱۲-۲ روانکاوی و تفسیر.....
۶۹.....	۱۳-۲ روانکاوی و مسئله شر.....
۷۱.....	۱۴-۲ اسطوره در گفتمان روانکاوی.....

فصل سوم: بررسی و نقد مبانی دیدگاه فروید در روانکاوی

۷۷.....	۱-۳ مبانی دیدگاه فروید در روانکاوی.....
۷۷.....	۱-۱-۳ مبانی علمی دیدگاه فروید.....
۷۸.....	۲-۱-۳ مبانی هستی شناسی دیدگاه فروید.....
۷۹.....	۳-۱-۳ مبانی معرفت شناختی دیدگاه فروید.....
۸۰.....	۲-۳ بررسی انتقادی روانکاوی.....
۸۰.....	۱-۲-۳ عقده ادیپ، فرضیه ای غیر قابل اثبات.....
۸۱.....	۲-۲-۳ نظریه جنسیت و نقد های بر مبانی علمی آن.....
۸۲.....	۳-۲-۳ ملاک های سلامت و بهنجاری در نظریه فروید.....
۸۳.....	۴-۲-۳ نقد و بررسی من در رابطه با بهنجاری.....
۸۳.....	۵-۲-۳ نقد و بررسی فرا من در رابطه با بهنجاری.....

۸۵.....	۶-۲-۳ تاکید بی مبنا بر دوران کودکی
۸۶.....	۷-۲-۳ اشکالات روش شناختی.....
۸۷.....	۸-۲-۳ نقد بر علمی بودن روانکاوی فروید.....
۹۱.....	۹-۲-۳ انتقادات روانشناسان بر روانکاوی.....
۹۲.....	۱-۹-۲-۳ روانکاوی و دیگر مکاتب روان شناسی.....

فصل چهارم: بررسی دیدگاه فروید در باب دین

۹۵.....	مقدمه
۹۹.....	۱-۴ توتم و تابو(۱۹۱۳).....
۱۰۰.....	۱-۱-۴ توتم.....
۱۰۱.....	۲-۱-۴ تابو.....
۱۰۲.....	۱-۲-۱-۴ منشاء پیدایش تابو.....
۱۰۲.....	۳-۱-۴ تحلیل روانکاوانه هانس کوچولو.....
۱۰۴.....	۴-۱-۴ توتمیسم.....
۱۰۵.....	۱-۴-۱-۴ نظریه های مبتنی بر اصالت تسمیه در باب منشاء توتمیسم.....
۱۰۶.....	۲-۴-۱-۴ نظریه های جامعه شناختی در باب منشاء توتمیسم.....
۱۰۷.....	۳-۴-۱-۴ نظریه های روان شناختی در باب منشاء توتمیسم.....
۱۱۰.....	۵-۱-۴ دو ویژگی خاص توتمیسم.....
۱۱۰.....	۱-۵-۱-۴ منع ازدواج با خویشاوندان نزدیک(ترس از زنای با محارم).....
۱۱۳.....	۲-۵-۱-۴ مراسم قربانی.....
۱۱۳.....	۶-۱-۴ عواطف دوگانه مهر و کین

- ۱۱۶-۷ عبور از توتمیسم به ادیان دیگر.....
- ۱۱۸-۸ دوران های فکری حیات بشر.....
- ۱۱۹-۱-۸-۱ دوره حیات جان پنداری (آنیمیسم).....
- ۱۱۹-۲-۸-۱ همه توانی افکار.....
- ۱۲۰-۳-۸-۱ خود شیفتگی.....
- ۱۲۱-۴-۸-۱ دوره حیات مذهبی.....
- ۱۲۲-۵-۸-۱ دوره حیات علمی.....
- ۱۲۷-۲ علم ودین از نگاه فروید.....
- ۱۲۹-۳ آینده یک پندار (۱۹۲۷).....
- ۱۳۰-۱-۳-۴ ترس بعنوان خاستگاه دین.....
- ۱۳۸-۴-۴ موسی و یکتاپرستی (۱۹۳۹).....
- ۱۴۷-۵ روان جمعی.....
- ۱۵۱-۶-۴ دین و تمدن و رابطه آنها در اندیشه فروید.....

فصل پنجم : بررسی و نقد مبانی دیدگاه فروید در باب دین

- ۱۵۹-۱-۵ مبانی دیدگاه های فروید در باب دین.....
- ۱۵۹-۱-۱-۵ مبانی علمی و روش شناختی فروید در تبیین دین.....
- ۱۵۹-۲-۱-۵ مبانی معرفت شناختی فروید در تبیین دین.....
- ۱۶۱-۳-۱-۵ مبانی روانکاوانه فروید در تبیین دین.....
- ۱۶۳-۲-۵ بررسی انتقادی نظرات فروید در باب دین.....

فصل ششم

نتیجه گیری..... ۱۷۵

فهرست منابع..... ۱۷۸

پیشگفتار

وقتی با طبقه روشنفکر جامعه خودمان درباره مباحث دینی صحبت می کنیم اکثر قریب به اتفاق آنها از مفاهیمی مثل سکولاریسم، امانیسم، لیبرالیسم، ساینتیسم، ماتریالیسم و ... صحبت می کنند. تصور آنها اینست که زمانی که در جامعه غرب این مفاهیم بوجود آمد، تبعات این نوع تفکرات سبب شد که جامعه غرب پیشرفت کند و به همین جهت برای رسیدن به پیشرفت راهی جز تبعیت از مسیر طی شده جامعه غربی و هم آوا شدن با آنها وجود ندارد. چرا که جامعه غرب زمانی آهنگ پیشرفت را نواخت که از سیطره حکومت دینی قرون وسطایی رهایی یافت. در دوره جدید با تکیه بر علم و قدرت فکری بشر راه برای نفوذ دین به همه عرصه ها بسته شد و دین و دینداری صرفاً به حوزه های شخصی محدود شد، لذا بعضی از روشنفکران جامعه ما تصور می کنند با پیچیدن نسخه حکومتی، شبیه حکومت غرب برای جامعه دینی ما می توان راه حل برون رفت از مشکلات را پیدا کرد، غافل از آنکه ضعفهای مدیریتی مدیران جامعه ما، عدم تعهد و وجدان کاری، ضعفهای جامعه دانشگاهی ما در تدوین و تئوریزه کردن مفاهیم دینی و اعتقادی و عدم اجرای درست قوانین اسلامی سبب شده تا مشکلات جامعه ما صد چندان شود.

تصور من از دیرباز این بوده است که همیشه باید میان مفهوم و مصداق تفاتت قایل شد یعنی اگرچه ممکن است حکومت دینی شایسته نام حکومت دینی نباشد و اشکالات فراوانی وجود داشته باشد که صد البته نمی توان منکر آنها شد، ولی باید این سوال را پرسید که آیا راه حل مشکل پاک کردن صورت مساله یعنی کنار گذاشتن حکومت دینی است؟

باید دید و بررسی کرد که در تئوری دین و مفهوم دین آیا این ناکارآمدی وجود دارد که ثمره اش مصداق ضعیفی از حکومت دینی شده یا نه؟

می خواهم بگویم ضعف بسیاری از تحلیل های متفکران جامعه ما خلط میان مفهوم و مصداق حکومت دینی است؟ بررسی ها نشان می دهد که در باب حکومت دینی مسیحی مفهوم و مصداق توامان دارای مشکلاتی چند بودند. اگر با نگاهی دقیق به منابع دینی مسیحی یعنی کتب عهد جدید توجه کنیم می بینیم در آنها توجه صرف به آخرت اندیشی و رهبانیت، عدم سازگاری با فطرت، تحریف آمیز بودن، تناقض بعضی آرا باهم، نامعقول بودن بعضی مفاهیم مانند گناه جبلی و تثلیث و عدم سازگاری با دنیای نو و کهنه شدن در گذر تاریخ به کرات قابل مشاهده است. به همین دلیل در الهیات مسیحی می بینیم که مصداق حکومت دینی در قرون وسطی نتوانست خواسته های دنیایی و نیازهای فکری مسیحیان را جوابگو باشد و درست به همین جهت بود که مسیحیان قرون وسطی در حدود هزار سال درجا زدند و در راه رسیدن به پیشرفتهای علمی و تغییر زندگی این دنیایشان و در رسیدن به رفاه و ... بازماندند. شاید به همین دلیل بود که اروپاییان در دسته بندی های تاریخی خود دوره قرون وسطی را عصر تاریکی (dark age) نام نهاده اند. بروز تناقض میان بعضی دستاوردهای دانشمندان نظیر کوپرنیک، گالیله و... با برخی مفاهیم انجیلی و در پی آن برخورد قهری ارباب کلیسا و سوزاندن روشنفکران و دانشمندان سبب شد تا در عصر جدید کاسه صبر مردم لبریز شده و در همه عرصه ها یک رنسانس فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی و... صورت گیرد. نتایج این رنسانس در عرصه دین، اصلاح دینی بوسیله لوتر و کالون و شخصی شدن دین بود. بدلیل رفتار بد حاکمان دین با مردم، دخل و تصرف در زندگی خصوصی و عمومی مردم و محدود کردن آزادی های فردی و رویکرد قهری با روشنفکران و در دوره جدید متناسب با جریان اصلاح دینی، طرح ایجاد حکومتهای سکولار با استقبال و اقبال عمومی مواجه شد. اومانیسیم که بر انسان محوری در تعیین ارزشها تکیه دارد در تقابل با اندیشه دینی قرار گرفت چون احکام دینی با فطرت و سرشت دینی در تناقض آشکار قرار داشت.

تفکر ساینتیستی بر این مساله تاکید می ورزد که برای حل مشکلات این دنیایی مان صرفا باید از ابزار علمی کمک گرفت و نیازی به دیگر حوزه ها مانند دین نیست. این نوع نگرش منفی تفکر ساینتیستی به دین از تبعات رفتار بسیار قهری دین و اربابان دینی با طبقه روشنفکر جامعه در دوران تلخ قرون وسطی بود.

مطالعه من در باب شرایط فوق الذکر و رویکرد بعضی از روشنفکران جامعه ما نسبت به بکارگیری این مفاهیم در جامعه ما سبب شد تا دغدغه اصلی من بررسی عوامل بستر ساز الحاد در جامعه غرب باشد. تا در گام بعدی ببینیم در جامعه و دین ما این عوامل بستر ساز وجود دارد تا از طریق مشابهت ها میان جامعه غربی و جامعه ما بتوان اینچنین نتیجه گیری کرد که برای پیشرفت و حل مشکلات باید حتما راه جامعه غرب را رفت ؟

دغدغه اصلی من آگاهی از فاکتورهای بستر ساز مفاهیم الحادی و نگرش های معارض با دین در جامعه غرب بود به جهت دامنه وسیع و فراوانی این عوامل و فاکتورها تصمیم گرفتم دامنه این موضوع را محدود به قرن ۱۹ که اوج الحاد و نگرش های ساینتیستی، ماشینیستی - مکانیستی در جامعه غرب است، کنم. طی صحبت هایی که با جناب دکتر آیت اللهی در این باب داشتم ایشان به جهت اشراف بر موضوع پیشنهاد کردند که بررسی این موضوع را محدود به بررسی عوامل الحاد در برخی از متفکران این قرن که بسیار هم در قرن بیستم تاثیرگذار بودند، کنم. از این رو موضوعی که مطرح شد بررسی عوامل الحاد در اندیشه مارکس و فروید با تاکید بر آرا این دو تن بود. طی جلسه ی گروهی که در آن زمان تشکیل شد موضوع باز هم قید خورده و به بررسی مبانی فکری - فرهنگی فروید در باب دین تبدیل شد. از آنجایی که عنوان پایان نامه در برگزیده تحلیل مبانی فکری، فرهنگی بود تا حدی آن دغدغه مرا جوابگو بود.

از آنجایی که عنوان پایان نامه بررسی مبانی فکری - فرهنگی آراء فروید در باب دین است به همین دلیل متناسب با عنوان پایان نامه باید سعی کنیم که تمامی عوامل فکری و فرهنگی را که باعث سوق داده شدن فروید به سمت ارائه و طرح نظریاتی خاص شده، را مورد توجه قرار دهیم. واژه مبانی دلالت بر همه آن چیزهایی دارد که شخص را به طرح ریزی نظریاتش سوق می دهد. با نگاهی گذرا به سادگی متوجه خواهیم شد که نظام نظریات فروید بستگی وثیقی با شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و...عصر او داشته است. در تحقیق حاضر سعی کرده ایم با کمک گرفتن از روش مطالعه گفتمانی (discursive) به مسأله نگاه کنیم در نگاه گفتمانی - که نگاهی متناسب با تحلیل مبانی است - سعی می شود تمامی عوامل بستر ساز که یک متفکر را به طرح ریزی نظریاتش سوق می دهد، مورد توجه قرار گیرد. به نظر اینجانب هم این نوع روش مطالعه بسیار غنی است چرا که به نظر می رسد ما نباید یک متفکر را جدای از شرایطی که او در آن قرار دارد، مورد توجه قرار دهیم زیرا در غیر این صورت مسلما در تحلیل درست نظریات او تا حدی زیادی ناتوان و عاجز خواهیم بود.

از آنجا که نگاه فروید به مسایل دینی نگاهی روانکاوانه است از این رو توضیح نظریات روانکاوانه او در این تحقیق ضروری به نظر می رسد. از این رو در فصل دوم سعی خواهیم کرد ضمن تبیین نظرات فروید در عرصه روانکاوی متناسب با عنوان پایان نامه، به نقد نظرات فروید نیز بپردازیم.

در ادامه خواهیم دید که با وجود نگاه پوزیتیویستی به مسایل، فروید در طرح ریزی بسیاری از نظریات خود از اصول مسلم پوزیتیویسم نظیر اصل تحقیق پذیری نظریات، عدول کرده و نظریاتی را عرضه می دارد که هرگز قابل آزمون پذیری تجربی نیست و این نیت غرض ورزانه، متعصبانه و فرافکنانه فروید را باز می نمایاند، مغالطاتی از قبیل مغالطه طرد شقوق

دیگر، مغالطه رها نکردن پیشفرض، مغالطه توسل به جهل و... همگی گویای اینست که او از اصول خود عدول کرده است. بسیاری از نظریات فروید چه در حوزه روانکاوی و چه در حوزه متاپسیکولوژی یا فراروانشناسی ماهیتی فلسفی دارد چرا که این قوانین کلی هستند و نه جزئی، و این مسئله با توجه به رویکرد تجربی فروید در تحلیل مسایل تا حدی مغرضانه بوده و مغالطه طرد شقوق دیگر را باز می نمایاند. البته مسلماً همگی نظریات جهان شمول که سعی دارند تمامی شئون حیات انسانی را به یک یا چند فاکتور کاملاً مشخص تحویل دهند دچار این نوع مغالطه می شوند حتی این مسئله توسط یکی از همکاران فروید به نام ژوزف بروئر نیز به او تذکر داده شده است. بروئر خطاب به فروید عنوان می کند که: «من اهمیت تمایلات جنسی به عنوان یکی از عوامل موثر و مهم در روان نزدی را انکار نمی کنم ولی تو نمی توانی مرا متقاعد کنی که آن، یگانه علت بیماری های اعصاب است وقتی ما می خواهیم زندگی را با یک قانون تطبیق دهیم باید چشمانمان را به روی تنوع بی انتهای آن ببندیم.»

فروید جمله ای دارد مبنی بر اینکه «دروغ همیشه حقیقت است البته اگر آنرا بر عکس بگیری» این جمله فروید حاکی از نگاه شک آلود او به مسایل است و شک دکارتی را در خاطرمان زنده می کند منتهی استفاده دکارت از مسأله شک با استفاده فروید متفاوت است. شک دکارتی، شکی غرض ورزانه نبود بلکه شکی روشی در جهت کشف حقیقت بود. دکارت آنچه را به لحاظ عقلانی قابل پذیرش بود، می پذیرفت ولی فروید دروغ بودن آنچه در اندیشه خود آگاهمان است پیشفرض گرفته و هر گفته انسانی را حاکی از چیزی جز آنچه ادعا می کند، می داند. پس او از ابتدا اشتباه بودن همه چیز را پیشفرض گرفته و این نوع برخورد فروید با مسایل در نگاه او به متون مقدس نیز خود را نشان می دهد که بعداً به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

در فصل سوم سعی خواهیم کرد انتقادات وارد بر مفاهیم روانکاوی را مورد بررسی قرار دهیم و در فصل چهارم هم کتب فروید در زمینه دین را به لحاظ محتوایی یک به یک مورد بررسی قرار داده و نظریات او را تبیین می‌کنیم. در انتها هم نقدهای وارد بر نظریات فروید در باب دین را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

فصل اول :

زندگی و شرایط فکری - فرهنگی

فروید

۱-۱ زندگینامه فروید

نظامی که فروید به وجود آورد رابطه‌ای نزدیک با زندگی خودش دارد و تا اندازه‌ای شرح حال خود اوست در نتیجه، اطلاع از داستان زندگیش برای درک نظام او امری ضروری است.

زیگموند فروید^۱، دانشمند معروفی که سرتاسر زندگی خود را وقف کاوشهای علمی کرد در ششم ماه مه سال ۱۸۵۶ میلادی در شهر فرایبورگ^۲ در ایالت مراویای^۳ مجارستان -اتریش دیده به جهان گشود. این شهر کوچک در آن زمان جزء قلمرو کشور اتریش بوده ولی امروزه قسمتی از خاک چکسلواکی است. نام پدر فروید ژاکوب^۴ و نام مادرش آمایی^۵، پدر فروید تاجر پشم و خانم آمایی همسر دوم او بود که با شوهرش اختلاف سنی چشمگیری داشت و کوچکتر از او بود. شولتز می گوید:

پدر فروید ۲۰ سال از مادرش مسن‌تر بود تا اندازه‌ای سخت‌گیر و قدرت‌طلب بود. فروید هنگامی که پسر خردسالی بود ظاهراً ضمن احساس ترس از پدر او را دوست می‌داشت. مادرش حمایت‌کننده و با محبت بود، فروید نسبت به او احساس دلبستگی هوس‌آلودی داشت البته این ترس از پدر و

-
1. Sigmund freud
 2. Freiburg
 3. Moravia
 4. Jakob
 5. Amaee

کشش جنسی نسبت به مادر چیزی است که بعدها فروید آن را عقده ادیپ نامید و چنین به نظر

می‌رسد که این مفهوم از تجارب دوره کودکی وی و یادآوری آنها گرفته شده است. (۱۳۷۲، ص ۲۴۲)

خانواده فروید از یک خاندان قدیمی یهودی بودند که تحت تأثیر جریان های سیاسی و فرهنگی رایج زمان، به علت یهودی بودن از اعتبار و اهمیت چندانی برخوردار نبودند و به دلیل شکنجه‌هایی که بر این خانواده یهودی وارد شد. هنگامی که زیگموند باهوش چهار ساله بود به وین مهاجرت کردند. فروید تا ده سالگی به مدرسه نرفت و به طور غیررسمی در خانه مشغول فرا گرفتن، خواندن، نوشتن و حساب کردن بود از ده سالگی که به مدرسه رفت در خلال سالهای تحصیل، همواره شاگردی سخت‌کوش و علاقه مند بود و در جریان تحصیلاتش در اکثر مواقع جوایز اول را به خود اختصاص می‌داد. به طوری که در هفده سالگی با بهترین مدارج از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد. با وجود این گفته شده است که در او هیچگونه اثری از ابداع و آتیه درخشان به چشم نمی‌خورده است، سخت‌کوشی و علاقه مندی فروید باعث شده بود که در پایان دوره تحصیلات دبیرستانی به چند زبان دیگر از جمله لاتین، یونانی، انگلیسی و عربی تسلط یابد.

پس از فراغت از تحصیلات دبیرستانی، مسئله انتخاب حرفه و شغل برای فروید مطرح شد، اما چون فروید از یک خانواده یهودی بود، در خلال تحصیلاتش همواره مورد سرزنش و تحقیر همکلاسی‌هایش قرار می‌گرفت و نسبت به او کینه‌توزی می‌شد و همین کینه‌توزیها و تحقیرها سبب انزوا و گوشه‌گیری فروید از دیگران شده بود. به همین دلیل، مسئله انتخاب شغل و یا رشته تحصیلی برایش کار ساده‌ای نبود و آزادی انتخاب نداشت. فروید بنا به شور و علاقه‌ای که داشت پس از تفکر زیاد، راه علم را در پیش گرفت، اما از آنجا که در آن زمان یهودیان فقط می‌توانستند در مشاغل مثل بازرگانی، قضاوت و پزشکی فعالیت داشته باشند، دامنه انتخابهای او در زمینه علم محدود بود در نتیجه تحت فشار این نوع محدودیتها، فروید با آنکه به علم گیاه‌شناسی علاقه داشت ابتدا به رشته

حقوق روی آورد، ولی به زودی از آن رویگردان شد و در سال ۱۸۷۳ میلادی به دانشکده پزشکی وین وارد شد. او به پزشکی علاقه چندانی نداشت و به همین دلیل، تحصیلاتش تا مرحله اخذ مدرک دکترا به مدت هشت سال به درازا کشید ولی از آنجا که خواهان درک روابط و حیات انسانها بود و تصور نمی کرد که از طریق فیزیولوژی بتواند به درک آنها نایل آید در دانشکده پزشکی زیر نظر دو تن از استادان تشریح به نامهای ارنست بروک^۶ مدیر موسسه فیزیولوژی دانشگاه و پروفیسور ماینر^۷ تحقیق و تفحص علمی را آغاز کرد و در نسج شناسی و عصب شناسی تحقیقاتی انجام داد و نتایج آنها را در بولتن آکادمی علوم به چاپ رساند. این تحقیقات باعث شد که فروید یکی از نخستین پیشگامان نظریه نورون، که پایه عصب شناسی جدید محسوب می شود، قلمداد شود.

فروید یک ماده گرا و یک فیزیولوژیست طرفدار علم بود او دید ماده گرایانه و ملحدانه را از مکتب بروک و هلمهولتز گرفته بود. نیمه اول زندگی فروید صرف تحقیقات فیزیولوژی و عصب شناسی شد، ولی در هیچیک از این دو زمینه موفقیت شایانی بدست نیاورد.

فروید سرانجام پس از تحقیقات فراوان در سال ۱۸۸۱ میلادی یعنی در سن بیست و پنج سالگی موفق به اخذ مدرک دکترا در طب شد. چون علاقه ای به اشتغال و کار علمی پزشکی نداشت، پس از اخذ دکترا به مدت یک سال و نیم دیگر، کار تحقیقاتی خود را در همان موسسه فیزیولوژی ادامه داد و سپس به سمت مربی دانشگاه مشغول به کار شد اما به علت موانعی نظیر یهودی بودن، فقر و تنگدستی و نیز وجود دو دستیار دیگر بروک نمی توانست به مقام استادیاری و دانشیاری ارتقاء پیدا کند. به علت وجود این دو دستیار، فروید مجبور بود که سالها با کم پولی و فقر بسازد تا پس از کنار رفتن آنها از صحنه کار، جای آنها را پر کند. از طرف دیگر او با خانمی به نام مارتا برنایز آشنا شده

6. Ernest Brock
7. Miner